

آموزش چندفرهنگی؛ تأملی در تجربه‌ی ایده‌آل معلمان موفق در مدارس

کتایون حمیدی زاده^۱، کوروش فتحی واجارگاه^۲، محبوبه عارفی^۳، گلنار مهران^۴

Received: 21/02/2018

صفحات: ۱۶۳-۱۸۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۰۲

Accepted: 08/03/2019

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۱۷

چکیده

پژوهش حاضر کیفی و دارای روش تجربه‌ی ایده‌آل روش مبنایی پژوهش بوده و از مصاحبه‌ی نیمه سازمان-یافته جهت جمع‌آوری داده‌ها و از تحلیل محتوای کیفی جهت تحلیل داده‌ها، استفاده شده است. جهت استفاده از روش تجربه‌ی ایده‌آل ۴ مرحله‌ی طرح، جستجو، مشاهده و جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل، اجرا شد. تعداد معلمان موفق در آموزش چندفرهنگی در سال‌های ۲۰۱۴ - ۲۰۱۵ شامل ۵ نفر بوده که از تمامی معلمان با روش مصاحبه‌ی نیمه سازمان یافته به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شد. مصاحبه‌ها با اجازه‌ی معلمان ضبط و بر روی کاغذ پیاده شده و با استفاده از روش تحلیل محتوای مضمونی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد ۱۴ نکته‌ی کلیدی در موفقیت معلمان در آموزش چندفرهنگی نقش مؤثری ایفا کرده است. نکاتی مانند نگرش مثبت معلمان نسبت به تنوع و نقاط اختلاف و شباهت‌ها، استفاده از شیوه‌ی بیان و سبک گفتار دانش‌آموزان در خانه و فرهنگشان در محاوره‌های کلاسی، ارتباط تنگاتنگ و مستمر با والدین دانش‌آموزان و استفاده از آن‌ها در فرایند یادگیری، به رسمیت شناختن هویت چندگانه‌ی دانش‌آموزان و توسعه‌ی زبان، دانش تاریخی و فرهنگی آن‌ها در کلاس، حضور در اجتماعات دانش‌آموزان، محیط‌های زندگی دانش‌آموزان در خارج از مدرسه.

کلید واژگان: تجربه‌ی ایده‌آل، آموزش چندفرهنگی، معلمان، مدارس.

مقدمه

۱- دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

Email: k_hamidzadeh@sbu.ac.ir

نویسنده مسئول:

۲- دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۳- دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۴- دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

انسان‌ها به علت آموخته‌ها و دنبال کردن روش‌های الگو گرفته شده از کسانی که در زندگی روزه‌مره‌شان با آن‌ها مواجه می‌شوند، رفتارها و عقاید متفاوتی از خود بروز می‌دهند. براساس نگرش نسبی‌گرایی فرهنگی^۱ انسان‌ها ذاتاً نسبت به یکدیگر پست‌تر یا برتر نیستند، آن‌ها فقط با یکدیگر متفاوتند (Banks, 2008). از یک سو افراد، هویت گروهی را مبنایی برای خودتعریفی می‌دانند و عضویت در گروه قومی و فرهنگی حس تعلق و وابستگی متقابل در آن‌ها ایجاد می‌کند و از سوی دیگر فرهنگ‌های گوناگون موجود در یک جامعه در واقع اجزای سازنده فرهنگ ملی آن جامعه هستند و هویت ملی افراد در گرو تعامل صحیح و مطلوب فرهنگ‌های گوناگون آن جامعه می‌باشد. وقتی جامعه نگرشی احترام‌آمیز نسبت به تفاوت‌های قومی و فرهنگی داشته باشد، افراد می‌توانند بدون تناقض یا خجالت تعریفی قومیتی از خود ارائه کنند. جامعه‌ای که به تفاوت‌های گروه‌های قومی احترام می‌گذارد، می‌خواهد شهروندان خود را از شیوه‌های تبعیض‌آمیز و نگرش‌های زیان‌بار محافظت کند. این احترام قائل شدن به بقای این‌گونه گروه‌ها کمک می‌کند و فرصت‌های بیشتری را برای آن‌ها به وجود می‌آورد تا هر طور که دوست دارند زندگی خود را شکل دهند (Grant & portera, 2011). هم‌چنین احترام به تفاوت‌های قومی باید به انسجام اجتماعی کمک کند؛ نه آن را نابود کند. بیشتر اعضای گروه‌های قومی خواهان جدایی نیستند، اما به شدت خواستار آن هستند که تاریخ و فرهنگ آن‌ها به بخش اصلی برنامه‌های آموزشی و جامعه‌ی بزرگ‌تر تبدیل شود (Banks, 2010). هر اندازه که جامعه، محیطی را فراهم کند که در آن تمام گروه‌های قومی بتوانند رشد کنند و در شکل‌دهی نهادهای عمومی نقش داشته باشند، خصومت‌ها نیز کاهش خواهد یافت و جامعه از مبنایی غنی از سنت‌ها و فرهنگ‌های قومی بهره‌مند خواهد شد. در واقع، در فضایی که انواع ظرفیت‌های انسانی نه سانسور و نه نادیده گرفته می‌شوند، بلکه ارزشمند هم تلقی می‌شوند، وحدت شکوفا می‌شود. به همین دلیل است که آموزش چندفرهنگی از مسائل مهم، ضروری و زنده‌ی دنیاست و در هدف اول خود به دنبال تربیت افرادی است که نه تنها نسبت به فرهنگ خود قدر دان هستند بلکه برای سایر فرهنگ‌ها نیز ارزش و احترام قائلند و آن‌ها را باعث قوت و پیشرفت فرهنگ خودشان می‌دانند. هدف آموزش چندفرهنگی برقراری توازن ظریف میان تنوع و وحدت است. دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که تفاوت‌ها لزوماً به معنای پست‌تر یا برتر بودن نیست و اینکه مطالعه‌ی تفاوت‌های گروه قومی و فرهنگی لزوماً به دودستگی منجر نمی‌شود. هم‌چنین باید یاد بگیرند که در جوامعی که به لحاظ نژادی و قومی کثرت‌گرا هستند، اختلاف اجتناب‌ناپذیر است،

1 Cultural relativism

اما این اختلاف لزوماً ویرانگر یا تفرقه‌انداز نیست. دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که شهروندانی ژرف اندیش و درستکار، دلسوز و فعال در یک دنیای آشفته باشند (Banks, 2008). بزرگ‌ترین مشکلات دنیا به علت ناتوانی مردم در خواندن و نوشتن نیست. این مشکلات به خاطر این است که مردم دنیا از فرهنگ‌ها، نژادها، مذاهب و ملت‌های مختلف هستند که قادر نیستند با هم کنار بیایند و با هم تلاش کنند تا مشکلات جهان مثل گرم‌شدن جهان، شیوع ایدز، فقر، نژاد پرستی، تبعیض جنسیتی، تروریسم، درگیری‌های جهانی و جنگ را حل کنند (Johnson, 2011).

تعصبات و تبعیضات قومی از جمله چالش‌هایی هستند که وقتی افراد از گروه‌های گوناگون با هم تعامل پیدا می‌کنند، به وجود می‌آید. اختلاف اغلب بخش ذاتی شرایط انسانی است، به‌ویژه در جامعه‌ی کثرت‌گرا. برنامه‌های آموزش چندفرهنگی که تنوع قومی را به روش واقع‌بینانه و مثبت مورد بررسی قرار می‌دهند، اختلاف قومی را از دیدگاه مناسب آن ارائه می‌کنند. به دانش‌آموزان می‌فهمانند که تنوع ارزشمند است و این‌که همکاری میان گروه‌های قومی لزوماً مستلزم وجود اعتقادات، باورها و ارزش‌های یکسان نیست. تعامل بین فرهنگی هر روز در زندگی افراد جامعه جاری است، اما آنچه که حائز اهمیت است؛ کیفیت این تعامل است. دانش‌آموزان نیاز دارند دانش و مهارت لازم را کسب کنند تا نه تنها به طور مؤثری با دانش‌آموزان گروه‌های گوناگون کار کنند بلکه به دانش‌آموزان گروه‌های دیگر کمک کنند تا دانش، ارزش‌ها و قابلیت‌های میان‌فرهنگی را گسترش دهند (Banks & Gran, 2015). با کمک به دانش‌آموزان در تشخیص عوامل تأثیرگذار بر تعاملات بین‌فردی و چگونگی تأثیرگذاری این عوامل بر رفتار، می‌توان مشکلات ناشی از قوم‌گرایی را، دست‌کم، تا حدی برطرف کرد. دانش‌آموزان باید مهارت‌ها و مفاهیم لازم برای غلبه بر عواملی که مانع تعاملات مؤثر می‌شود را بدست آورند. مهارت‌هایی مانند: شناسایی کلیشه‌های قومی و فرهنگی، تشریح ارزش‌ها و نگرش‌های قومی و فرهنگی، پرورش مهارت‌های ارتباطی میان‌فرهنگی (Bogotch, 2010). تفاوت‌های فرهنگی بدون شک بر جریان تحصیل و موفقیت‌های دانش‌آموزان در اجتماع تأثیر می‌گذارد. در واقع عضویت فرد در یک قوم و فرهنگ خاص، در تعیین پایگاه اجتماعی وی، نقشی که فرد ایفا می‌کند، وظایفی که بر عهده می‌گیرد، امتیازاتی که از آن‌ها برخوردار می‌شود، درکی که از خود و دیگران بدست می‌آورد، انگیزشی که برای تحصیل پیدا می‌کند و حتی برداشتی که از جهان دارد تأثیر می‌گذارد. میزان موفقیت هر دانش‌آموز در درون نظام آموزشی به مقدار زیادی تحت تأثیر ویژگی‌های فرهنگی وی قرار دارد. با این همه آموزش‌های چندفرهنگی ایده‌آل، در دست معلمی با نگرش منفی و عدم توانایی و آشنایی با مفاهیم و

مؤلفه‌های آموزش چندفرهنگی کارایی نخواهد داشت (Fernandez, 2010). با توجه به اینکه تعلیم و تربیت چندفرهنگی در پی تحقق تنوع فرهنگی و حق طبیعی انسان‌ها برای دستیابی به فرصت‌های برابر آموزشی است؛ از این رو اهمیت نقش معلمان در این فرآیند، ضرورت آگاهی بخشی به معلمان و برانگیختن آن‌ها به تأیید تنوع فرهنگی و رشد ارزش‌های مثبت نسبت به گروه‌های اقلیت برجسته می‌گردد. معلمانی که در تدریس خود تنها بر روی تجربیات فرهنگ غالب در جامعه تمرکز می‌کنند و به میزان زیادی از تجربیات فرهنگ‌ها و تاریخ سایر گروه‌های قومی، نژادی، فرهنگی، زبانی و مذهبی صرف‌نظر می‌کنند، پیامدهای منفی را برای هر دو گروه دانش‌آموزی فرهنگ غالب و اقلیت به همراه می‌آورند. زیرا احساس غلط برتری دانش‌آموزان، فرهنگ غالب را تقویت کرده و تصور گمراه‌کننده‌ای از رابطه‌ی آن‌ها با سایر گروه‌های قومی و نژادی ایجاد می‌کنند. فرصت بهره‌وری از دانش و روشن‌بینی که می‌تواند به واسطه‌ی مطالعه و تجربه‌ی سایر فرهنگ‌ها و گروه‌ها بدست آید را از آن‌ها می‌گیرند. همچنین فرصت دیدن فرهنگشان را از دیدگاه سایر فرهنگ‌ها و گروه‌ها را نیز آن‌ها سلب می‌کنند (Guttmann, 2004). معلمان باید نیازهای فرهنگی و زبانی دانش‌آموزان مختلف را به آن‌ها یادآور شوند و بدانند که این نیازها در نظام تک‌فرهنگی و تک‌زبانی برآورده نمی‌شود. همچنین با شناسایی توانایی‌ها و استعدادهای دانش‌آموزان و بکارگیری آن‌ها در فرآیند یادگیری فرصت‌های یکسان برای تمامی دانش‌آموزان از فرهنگ‌های مختلف را فراهم آورند (Banks & Grant, 2015). با توجه به نقش مهم و کلیدی معلمان در مؤثر واقع شدن آموزش چندفرهنگی، در این پژوهش به بررسی تجارب معلمان برجسته و موفق در آموزش چندفرهنگی پرداخته می‌شود، به گونه‌ای که ویژگی‌ها و ملاک‌های موفقیت آنان شناسایی گردد تا در آینده برای آموزش چندفرهنگی معلمان و با توجه به شرایط بومی کشور مورد استفاده قرار گیرد.

رفتار دانش‌آموزان در کلاس درس تا حد زیادی تحت تأثیر فرهنگ آن‌ها قرار دارد. از این رو ضروری است فعالیت‌های کلاس درس با هنجارهای اجتماعی متفاوت این دانش‌آموزان و ارزش‌های فرهنگی آن‌ها منطبق شود تا بتواند یادگیری دانش‌آموزان را به شکل مناسبی تحقق بخشد. مدیریت و راهنمایی فعالیت‌های کلاسی در دست معلم است. وی باید فعالیت‌های کلاسی را به گونه‌ای طراحی و سازماندهی کند که مفهوم تفاوت‌های فرهنگی را مورد تأیید قرار دهد و به آن ارزش بگذارد. این در حالی است که عده‌ی کثیری از معلمان با ارزش‌های این رویکرد آشنا نبوده و در نتیجه از به کار بردن مفاهیم و مؤلفه‌های آموزش چندفرهنگی دوری می‌کنند. مسأله‌ی هنگامی چالش برانگیزتر می‌شود که برخی از آن‌ها اساساً تفاوت‌های فرهنگی

و قومی را نمی‌پذیرند و یا ممکن است درباره توانایی و خصوصیات افراد دارای زمینه‌های فرهنگی متفاوت، پیش از اینکه آنان را دیده یا شناخته باشند، قضاوت شتابزده منفی کنند. گروه اندکی از معلمان که مفاهیم و مؤلفه‌های آموزش چندفرهنگی را دارای اهمیت می‌دانند، بر اساس یکی از پنج رویکرد آموزش چندفرهنگی با دانش آموزان گروه‌های قومی، نژادی، زبانی و فرهنگی مختلف کار می‌کنند. بنا بر نظر (Sletter & Grant, 2010) عده‌ای از معلمان از رویکرد تدریس تنوع فرهنگی^۱ استفاده می‌نمایند و وظیفه‌ی اصلی خود را آماده کردن تمامی دانش-آموزان برای سازگاری و موفقیت در مدرسه و جامعه می‌دانند و تنها مهارت‌هایی که طبق سنت مورد نیاز جامعه می‌باشد را به دانش‌آموزان منتقل می‌کنند. عده‌ای از معلمان از رویکرد ارتباط انسانی^۲ استفاده می‌نمایند. این دسته از معلمان معتقدند برابری اجتماعی زمانی صورت می‌گیرد که دانش‌آموزان یاد بگیرند بدون در نظر گرفتن نژاد و طبقه‌ی اجتماعی و قومیت به یکدیگر احترام بگذارند. بنابراین آموزش «پذیرش دیگران» به دانش‌آموزان را سرلوحه‌ی فعالیت‌های آموزشی خود قرار می‌دهند. برخی از معلمان از رویکرد مطالعات تک‌گروهی^۳ استفاده می‌کنند. تمرکز آن‌ها بر روی کسانی است که به حاشیه رانده شده‌اند. معلمان به بررسی چگونگی سرکوب شدن این گروه‌ها به لحاظ تاریخی می‌پردازند و تلاش می‌کنند منزلت اجتماعی آن‌ها را بالا ببرند. معلمانی که از رویکرد آموزش چندفرهنگی^۴ استفاده می‌نمایند هم به دنبال کاهش تعصب و تبعیض بر علیه گروه‌های سرکوب شده هستند، هم به دنبال برابری و عدالت اجتماعی برای تمامی گروه‌ها و هم تقسیم عادلانه‌ی قدرت بین گروه‌های متفاوت قومی، نژادی و فرهنگی. این معلمان باور دارند که دانش‌آموزان قابلیت یادگیری مطالب پیچیده را دارند. رویکرد آخری که برخی معلمان استفاده می‌کنند، رویکرد آموزش عدالت اجتماعی چندفرهنگی^۵ است. این گروه از معلمان می‌خواهند دانش‌آموزانی پرورش دهند که بتوانند به نفع همه‌ی گروه‌های مردم خدمت کنند و یک جامعه‌ای رشدیافته با مفاهیم چندفرهنگی بسازند.

سوال اصلی در این پژوهش، جهت بررسی تجارب معلمان برجسته در آموزش چندفرهنگی، عبارت است از:

1 Teaching of the exceptional and the culturally different

2 Human relation approach

3 Single-group studies approach

4 Multicultural education approach

آموزش چندفرهنگی تبدیل به اصطلاح رایجی شده که معلمان به کار می‌برند تا آموزش برای کثرت‌گرایی را توضیح دهند. اما در واقع این اصطلاح برای رویکرد خاصی به کار برده می‌شود.

5 Multicultural social justice education

- ملاک‌ها و معیارهای معلمان موفق در آموزش چندفرهنگی چیست؟ جهت پاسخ به سوال پژوهش ۵ سؤال اصلی در مصاحبه با معلمان پرسیده شده است که در راستای عناصر برنامه‌ی درسی آیزنر^۱ می‌باشند. این سؤالات عبارتند از:
۱. انتظار دارید دانش‌آموزان به چه اهدافی دست پیدا کنند؟
 ۲. چگونه محتوای درسی را طراحی و سازماندهی می‌نمایید؟
 ۳. برای آموزش در یک کلاس درسی چندفرهنگی چه فرصت‌های یادگیری را طراحی و سازماندهی می‌کنید؟
 ۴. از چه روش‌های تدریسی در کلاس خود استفاده می‌نمایید.
 ۵. چگونه دانش‌آموزان را در راستای تحقق اهداف ارزشیابی می‌کنید.

روش شناسی

در این پژوهش از روش تجربه‌ی ایده‌آل^۲ (تجربه‌ی برتر) و تحلیل محتوای کیفی^۳ استفاده شده است. روش تجربه‌ی ایده‌آل، روش یا تکنیکی است که منجر به شناسایی بهترین‌ها در حوزه‌ی مطالعاتی می‌گردد و از آن به عنوان یک روش شاخص استفاده می‌شود. لازم به ذکر است که بهترین روش‌ها همیشه این امکان را دارند که به مرور زمان بهبود یابند. همچنین تجربه‌ی ایده‌آل گاهی متناسب با شرایطی که قرار است مورد استفاده واقع شود، می‌بایست تعدیل گردد و با طرح و محیط مورد نظر سازگار شود (Eisner, 2011). در استفاده از روش تجربه ایده‌آل^۴ مرحله طی شده است که عبارتند از:

طرح^۴: در مرحله‌ی طرح‌ریزی فاکتورهای اصلی تحقیق و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات تعیین می‌گردد. فاکتورهای اصلی تحقیق، در این بررسی عبارت است از عناصر برنامه‌ی درسی از دیدگاه آیزنر در حوزه‌ی آموزش چندفرهنگی و روش جمع‌آوری اطلاعات، استفاده از مصاحبه‌ی نیمه‌سازمان‌یافته است.

1 Eisner

عناصر برنامه‌ی درسی آیزنر عبارتند از: اهداف، محتوا، سازماندهی محتوا، فرصت‌های یادگیری، سازماندهی فرصت‌های یادگیری، روش‌های ارائه و پاسخ، ارزشیابی.

2 Best Practice

3 Qualitative content analysis

4 Plan

جستجو^۱: در این مرحله بهترین‌های حوزه‌ی مطالعاتی شناسایی و انتخاب می‌گردند. جهت شناسایی و انتخاب معلمان موفق در این حوزه، به سایت NAM^۲ مراجعه شد. در این سایت^۳ دو نفر از معلمان برتر در آموزش چندفرهنگی در سال ۲۰۱۴-۲۰۱۵ معرفی شده‌اند، بنابراین محقق جهت اطمینان از دستیابی به تمامی معلمان برتر این حوزه با ارسال ایمیل به سایت به لیست اسامی تمامی معلم برتر آموزش چندفرهنگی طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۵، دست یافت که شامل ۵ نفر بوده و در این پژوهش با هر یک از این معلمان مصاحبه صورت گرفته است. لازم به ذکر است تمامی این معلمان، از اقلیت‌های نژادی و فرهنگی هستند. ملاک موفقیت معلمان، امتیازی است که نهادهای آموزشی به معلمان اختصاص می‌دهند. معلمان این پژوهش در نهادهای آموزشی ذی‌صلاح از بالاترین امتیاز در آموزش چندفرهنگی برخوردار هستند.

جدول ۱. مشخصات معلمان برتر در آموزش چندفرهنگی

F	اهل نیکاراگوئه، دانشجوی دکتری تعلیم و تربیت و فرهنگ در دانشگاه کالیفرنیا، معلم مقطع ابتدایی در سان فرانسیسکو.
G	اهل هوستن، دانشجوی دکتری تعلیم و تربیت در دانشگاه ایندیانا، معلم ابتدایی در جف دیویس واقع در جورجیا.
M	اهل مکزیک، دانشجوی دکتری آموزش و پرورش دانشگاه نیومکزیکو، معلم مقطع ابتدایی در آریزونا.
P	اهل چین، فارغ التحصیل آموزش ابتدایی از دانشگاه ویسکانسین مدیسون، معلم ابتدایی در شهر توپین.

1 Search

2 The National Association for Multicultural Education

انجمن ملی آموزش چندفرهنگی: این انجمن در سال ۱۹۹۰ تأسیس شد و متشکل است از سازمان‌های ملی و بین‌المللی برتری که به مسائلی مربوط به تساوی حقوق، تنوع، عدالت در آموزش و پرورش متعهد هستند. این انجمن بهترین منابع و سازمان‌ها را در رابطه با احترام به تنوع در آموزش و پرورش، فرصت‌های برابر آموزشی را در اختیار علاقه‌مندان به آموزش چندفرهنگی قرار می‌دهد. تمامی اعضای این انجمن تلاش می‌کنند تا همه‌ی افراد از آموزشی که مبتنی بر مفاهیم چندفرهنگی است برخوردار شوند. انجمن ملی آموزش چندفرهنگی در تمامی برنامه‌ها و خدمات خود به سیاست‌های ضد تبعیض پایبند است و همه‌ی اشکال تنوع از جمله: قومیت، نژاد، ملیت، هویت‌جنسی، گرایش‌های مذهبی، وضعیت اقتصادی، زبان و معلولیت را در برنامه‌ها و خدمات خود مد نظر قرار می‌دهد.

۳ در سایت NAM به بخش‌های Case Studies & NAM Award Recipients مراجعه شود.

K	اهل لائوس، فارغ التحصیل تعلیم و تربیت از دانشگاه پرینستون، معلم ابتدایی در کلمبوس.
---	--

مشاهده و جمع‌آوری اطلاعات^۱: در این مرحله نمونه‌های انتخاب شده مورد بررسی قرار می‌گیرند. با استفاده از روش مصاحبه‌ی نیمه سازمان‌یافته^۲ نمونه‌های انتخاب شده شامل، معلمان موفق در حوزه‌ی آموزش چندفرهنگی مورد بررسی قرار گرفتند. بدین صورت که پس از ارائه‌ی درخواست و توضیحات لازم برای افراد، روز و زمان انجام مصاحبه با هر فرد به صورت توافقی مشخص گردید و مصاحبه با هر معلم ضبط و سپس به صورت مکتوب نوشته شد. مصاحبه از طریق Skype صورت گرفت و مدت مصاحبه از ۳۰ دقیقه تا ۶۰ دقیقه متغیر بود. پس از اتمام هر مصاحبه، متن نوشته شده برای مشارکت‌کنندگان ایمیل و به همکاران داده شد تا پایایی^۳ (قابلیت اعتماد) داده‌ها تعیین گردد.

تجزیه و تحلیل^۴: در این مرحله اطلاعات بدست آمده از فاکتورهای تعیین شده، دسته بندی و تحلیل می‌شود. که در این پژوهش تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی صورت گرفت که شامل، خواندن خط به خط گفتگو، استخراج مفاهیم و جملات اصلی و قرار دادن در مجموعه عناصر برنامه درسی آیزنر و در نهایت ویژگی‌های موفقیت و وجوه متمایز کننده‌ی عملکرد معلمان شناسایی گردید.

یافته‌های تحقیق

مصاحبه با معلمان برجسته‌ی آموزش چندفرهنگی با محوریت سؤالات ذکر شده صورت گرفت و 14 مفهوم کلیدی استخراج شد:

جدول ۲. نکات برجسته‌ی معلمان موفق در آموزش چندفرهنگی

۱	پرورش احساس علاقه و عشق به خود، احترام به دیگران، پرورش تفکر انتقادی، مبارزه با حس برتر بودن.
۲	به رسمیت شناختن هویت چندگانه‌ی دانش‌آموزان و توسعه‌ی زبان، دانش تاریخی و فرهنگی دانش‌آموزان در کلاس.

1.Observation and Collect

2.semi-structured interview

3.Reliability

4.Analyze

۳	حضور در اجتماعات دانش‌آموزان، محیط‌های زندگی دانش‌آموزان در خارج از مدرسه.
۴	بررسی نگرش خود (معلم) و دانش‌آموزان از گروه‌های متنوع قومی و فرهنگی و زبانی، بررسی نقاط اختلاف و شباهت (شرح حال نویسی انتقادی).
۵	ارتباط تنگاتنگ و مستمر با والدین دانش‌آموزان و استفاده از آن‌ها در فرایند یادگیری کلاس.
۶	استفاده از روش‌های متنوع تدریس مانند روش مشارکتی، شرح حال نویسی، فعالیت‌های خاص هر گروه فرهنگی و قومی خاص، بحث و گفتگو از تنوع و تجارب فرهنگی، صحبت کردن تک به تک دانش‌آموزان درباره ی خود.
۷	استفاده از تجارب و فرهنگ روزمره‌ی دانش‌آموزان و امور جاری در کلاس در طراحی محتوا و فرآیند تدریس.
۸	افزایش دانش، اطلاعات و مهارت معلمان درباره‌ی گروه‌های قومی و فرهنگی و زبانی متنوع مانند مطالعه‌ی یک کتاب تاریخی یا فرهنگی از گروه‌های قومی.
۹	استفاده از ارزشیابی به شیوه‌های متنوع و پیوسته.
۱۰	توجه به تفاوت سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان از گروه‌های قومی و فرهنگی و زبانی متنوع.
۱۱	توجه خاص به زبان، لهجه و گویش دانش‌آموزان.
۱۲	فراهم کردن فرصت‌هایی جهت اشتراک زمینه‌های فرهنگی توسط دانش‌آموزان.
۱۳	تعامل سالم و سازنده با فرهنگ‌ها و ایده‌های متفاوت، آموزش فرهنگ‌های دیگر بدون غرض‌ورزی و کلیشه‌ها.
۱۴	استفاده از شیوه‌ی بیان و سبک گفتار دانش‌آموزان در خانه و فرهنگشان در محاوره‌های کلاسی.

مهم‌ترین نکات مطرح شده در گفتگو با هر یک از معلمان در چارچوب سوالات مصاحبه و متناظر با عناصر آیزنر بدین شرح است:

هدف:

F: «کنار آمدن با تنوع صداها درون، یک وظیفه‌ی آموزشی برای جامعه، فرد و مدرسه است. این همان چیزی است که به معنای رشد در یک جامعه‌ی چندفرهنگی و در یک دنیای چندفرهنگی است.» «من تلاش می‌کنم که دانش‌آموزان اقلیت خود را، به عنوان برنده ببینیم. بسیاری از دانش‌آموزان اقلیت دارای اهداف بالایی هستند. آن‌ها به معلمانی نیاز دارند که باور دارند آن‌ها می‌توانند موفق باشند و می‌خواهند به آن‌ها برای رسیدن به موفقیت کمک کنند. من

آن‌ها را باور می‌کنم». **M**: «هدف کلاس من این است که دانش‌آموزانم بفهمند که انسان‌ها متفاوتند و هر فرد شیوه و سبک زندگی خاص خود را دارد. همه‌ی این سبک‌ها مهم هستند و تا زمانی که گروه‌ها به یکدیگر آسیب نزنند باید به همه‌ی این تنوع‌ها احترام گذاشت». **G**: «اهداف آموزش چندفرهنگی که من به دنبال تحقق آن هستم این است که فعالیت‌های فرهنگی دیگر فرهنگ‌ها را بدون قالب‌بندی و بد تعبیر کردن و بدون غرض آموزش دهم». **P**: «پیام اصلی آموزش چندفرهنگی این است که فرهنگ‌های دیگر نیز مهم هستند و در جامعه، دارای ارزشند. یکی از اهدافی که در کلاس درس با توجه به مفاهیم آموزش چندفرهنگی مد نظر قرار می‌دهم، عشق به خود و دانش است».

محتوا و سازماندهی محتوا:

K: «همواره داده‌های چند بعدی از دانش‌آموزانم جمع‌آوری می‌کنم. انواع اطلاعاتی که از چندین منبع گوناگون جمع‌آوری شده‌اند. به عنوان مثال، داده‌هایی از پرسنل مدرسه، اعضای خانواده و اعضای جامعه مورد نیاز است». **M**: «اطمینان حاصل می‌کنم که کلاس درس من، تصاویر مثبت و مختلطی را از گروه‌های قومی گوناگون عرضه می‌کند. این کار را با نشان دادن تابلوها و پوسترها و تقویم‌های حاوی اطلاعاتی که تنوع نژادی، قومی و مذهبی را در جامعه به تصویر می‌کشند انجام می‌دهم. تلاش نموده‌ام با کلیشه‌های منفی حاکم بر تنوع قومی و فرهنگی و زبانی مقابله نمایم». **P**: «من سعی می‌کنم احترام گذاشتن به فرهنگ‌های مختلف و احترام به تنوع را در موضوعات مختلف درسی به دانش‌آموزان یاد دهم، حتی با درس ریاضی. من می‌توانم مطالعات اجتماعی، زبان و هنر را تنها با یک داستان پیش ببرم، اما این کار مرا از مزایای داستان‌ها و دیدگاه‌های مختلف محروم می‌کند». **G**: «محتوای دروس را براساس امور جاری طراحی می‌کنم. مطالبی که باید تدریس کنم را با مطالبی که در دسترس دانش‌آموزان هست و آن‌ها نیاز دارند بیاموزند، طراحی می‌کنم».

فرصت‌های یاددهی - یادگیری و سازماندهی آن‌ها:

M: «برخی از اعتقادات مرسوم اشتباه که در پیرامون استفاده از زبان بومی - محلی است را کنار گذاشته‌ام. از مشارکت والدین به خصوص آن‌هایی که از گروه‌های قومی و نژادی اقلیت محسوب می‌شوند استفاده می‌کنم. مشارکت والدین و جامعه، یک فرآیند فعال است که ترغیب می‌کند، پشتیبانی می‌کند و فرصت‌هایی را برای اصلاح یادگیری دانش‌آموزان فراهم می‌آورد».

G: « خانواده‌ها بخش لاینفک فرایند یادگیری در کلاس من محسوب می‌شوند. از جمله فعالیت‌هایی که انجام می‌دهم، شرح حال‌های انتقادی از سوی دانش‌آموزان و شرح حال شفاهی از طرف خانواده‌هایشان است که از بخش‌های مهم یک برنامه‌ی درسی چندفرهنگی است. » **P:** « برای اینکه دچار درک قالب‌بندی شده از خود واقعی دانش‌آموز نشوم، بیرون از مدرسه وقت می‌گذارم و در اجتماع آموزشی که شاگردانم از آنجا آمده‌اند حضور می‌یابم. همین‌طور به اجتماعات فعالیت‌های روزانه در طول مدرسه در مکان‌هایی ورای کلاس خود توجه می‌کنم. به نظر من برای این اطلاعات دست اول هیچ جایگزینی وجود ندارد. » **K:** « من و دانش‌آموزانم تلاش می‌کنیم که به گفتارهای اطراف و درون خودمان گوش کنیم و با محک زدن اینکه آن گفتارها را چگونه حس می‌کنیم- بیشتر شبیه خودمان و شبیه به دیگران، متعلق به خودمان یا بیگانه- خیلی از گفتارها را با ارزش بدانیم، ذاتاً آن‌ها را داری ارزش یکسان تلقی کنیم. » **F:** « دانش‌آموزان کلاس من زبان و دانش تاریخی و فرهنگی خود را توسعه می‌دهند. این امر با توصیف دقیق عضویت آن‌ها در گروه‌های چندهویتی (هویت مربوط به نژاد، قومیت، جنسیت، ملیت، زبان، مذهب، وضعیت اجتماعی اقتصادی) امکان‌پذیر است. »

روش تدریس:

F: « من بسیاری از فعالیت‌های کلاس را در گروه‌ها انجام می‌دهم. این امر کمک می‌کند تا دانش‌آموزان نقاط ضعف و قوت یکدیگر را پوشش دهند. از آنجایی که همه در انجام همه کاری عالی نیستند، پس هر دانش‌آموز این امکان را دارد در طول فعالیت‌های مختلف بدرخشد. این کار به نوبه‌ی خود ایجاد یک هویت مثبت می‌کند. » **M:** « دانش‌آموزان آزادند که محترمانه و بی‌طرفانه درباره‌ی تفاوت‌ها سؤال کنند و آگاهی خود را افزایش دهند. » **G:** « شیوه‌ی تدریس من عمدتاً راه‌هایی است که دانش‌آموزان را برای همکاری کردن با یکدیگر ترغیب می‌کند. یعنی دانش‌آموزان به جای اینکه خودشان تنها به موفقیت برسند، با همکاری یکدیگر موفقیت را بدست می‌آورند. » **P:** « من به دنبال آن هستم که دانش‌آموزان کلیشه‌هایی را که از هویت و فرهنگ همسالان خود ساخته‌اند، ساختارشکنی کنند. برای همین منظور، فعالیت‌های کلاسی را در نظر می‌گیرم. فعالیت‌هایی مثل: کتاب‌الغای فرهنگ‌های مختلف، بازدید از موزه‌های فرهنگی و برنامه‌های سخنرانی خانواده‌های کودکانی که از فرهنگ‌های مختلف هستند. »

روش ارزشیابی:

K: «به نظر من ارزشیابی باید به صورت دائم باشد، از قبیل فعالیت‌هایی مثل گردهمایی، کارگاه‌های نوشتن که به طور خاص دانش‌آموزان از تجارب خود می‌نویسند، جشن‌هایی که تعطیل است و خواندن ترانه، فرصت‌های مناسبی برای این منظور است». **M:** «در بحث ارزشیابی از آزمون‌های حساس به فرهنگ استفاده می‌کنم. آزمون‌ها از نظر مقدار زبانی که در خط سیر کلی و موارد آن، استفاده شده متفاوت اند. در هنگام فعالیت با گروه‌های متفاوت از نظر زبانی، اگر آزمون‌ها مطالبات و نیازهای زیاد زبانی و/یا فرهنگی دارند، بیشتر احتیاط می‌کنم». **G:** «از آزمون‌های غیر زبانی که توانایی‌های غیر گفتاری و زبانی را اندازه‌گیری می‌کنند؛ بیشتر استفاده می‌کنم. بدین ترتیب، هوش دانش‌آموزانی با مهارت‌های محدود در صحبت به زبان اصلی، دانش‌آموزان دو زبانی، و دانش‌آموزانی که زبان اصلی را به صورت غیر استاندارد صحبت می‌کنند، می‌تواند با اتکای کمتری به مهارت‌های تکلمی ارزیابی شود. اساساً، آزمون‌های غیر زبانی، اثرات مداخله‌گر مهارت‌های زبانی را روی عملکرد آزمون کاهش داده و در نتیجه، شانس دانش‌آموزان از گروه‌های متفاوت را برای موفقیت، افزایش می‌دهد.» پس از استخراج نکات کلیدی و مفاهیم اصلی، مضامین استخراج شده در قالب عناصر برنامه‌ی درسی آیزنر قرار گرفت.

۱. اهداف:

- بهبود و اصلاح زندگی گروه‌های قومی، زبانی و فرهنگی به حاشیه رانده شده.
- شرایط آموزشی عادلانه برای تمامی دانش‌آموزان اقوام و گروه‌های متنوع فرهنگی.
- آموزش مهارت‌های اساسی در جهت انجام وظایف و اثربخشی در جامعه‌ی چندفرهنگی.
- طراحی برنامه‌های درسی حساس به گروه‌های قومی و فرهنگی متنوع.
- ایجاد حس غرور فرهنگی و هویت قومی و درک عناصر فرهنگ خویش.
- بهبود تعاملات درون‌گروهی و بین‌فرهنگی و پرهیز از رفتارهای کلیشه‌ای و تنش‌زا.
- برقراری ارتباط با پیشینه‌ی فرهنگی دانش‌آموزان و تأکید بر حفظ ارزش‌های فرهنگ‌های متنوع.
- ایجاد فرصت‌های ابراز وجود در محیطی عاری از تهدید و تمسخر، برای تمامی دانش‌آموزان.

۲. محتوا:

- محتوای دروس، زمینه‌ی همکاری و مشارکت تمامی دانش‌آموزان را فراهم می‌کند.
- محتوای دروس، تنوع قومی و زبانی و فرهنگی موجود در جامعه را منعکس می‌نماید.
- محتوای دروس، تعامل مؤثر، تحمل نظرات مخالف، احترام به تنوع زبانی، قومی، فرهنگی و نوع‌دوستی را آموزش می‌دهد.
- محتوا امکان تعامل به زبان مادری را در کنار زبان رسمی جامعه فراهم می‌کند.
- محتوا بر محور احترام به تنوع، عدم تحقیر و تمسخر گروه‌های متنوع قومی و فرهنگی تنظیم می‌شود.
- محتوا امکان استفاده از دانش، فرهنگ، هنر و ادبیات گروه‌های قومی و فرهنگی متنوع را برای تمامی دانش‌آموزان فراهم می‌نماید.
- محتوا، نگرش و برخورد مثبت با گروه‌های قومی و فرهنگی متنوع را در میان تمامی دانش‌آموزان ترویج می‌نماید.
- محتوا، صدای همه‌ی فرهنگ‌ها و گروه‌های متنوع را در بر می‌گیرد. از جمله گویش محلی، تجارب فرهنگی و زبان فرهنگ‌های مختلف را منعکس می‌نماید.

۳. سازماندهی محتوا:

- سازماندهی محتوا به معرفی، حفظ و گسترش فرهنگ، هنر، تاریخ، ادبیات، آداب و رسوم، سنن، هنجارها و ارزش‌های قومی و فرهنگی گروه‌های متنوع به دانش‌آموزان کمک می‌نماید.
- سازماندهی محتوا بر محور تحمل نظرات مخالف، احترام به گروه‌های مختلف فرهنگی و قومی و زبانی است.
- سازماندهی محتوا با رفتارهای کلیشه‌ای و قالبی با گروه‌های قومی و فرهنگی مقابله می‌نماید.
- سازماندهی محتوا در ایجاد نگرش و برخورد مثبت با تنوع فرهنگی، قومی و زبانی به دانش‌آموزان کمک می‌نماید.
- سازماندهی محتوا، مشارکت و همکاری دانش‌آموزان از گروه‌های متنوع قومی و فرهنگی را هر چه بیشتر امکان‌پذیر می‌کند.
- سازماندهی محتوا امکان استفاده از تجارب فرهنگ‌های مختلف را برای تمامی دانش‌آموزان فراهم می‌کند.

● سازماندهی محتوا، گویش و زبان‌های متنوع در گروه‌های قومی و فرهنگی متنوع را، منعکس می‌سازد.

۴. **فرصت‌های یادگیری:** فرصت‌های یادگیری موقعیت‌هایی هستند که در آن اهداف و محتوای طراحی شده به مرحله‌ی عمل می‌رسند. در عناصر برنامه‌ی درسی آیزنر به دو نوع فرصت یادگیری اشاره شده است: یادگیری فرایندمحور و یادگیری نتیجه‌محور. در فرصت‌های یادگیری فرایندمحور، نتیجه از پیش مشخص نیست و این دانش‌آموزان هستند که دست به انتخاب زده و در جریان یادگیری فعال‌اند. در فرصت‌های یادگیری نتیجه‌محور معلمان و دانش‌آموزان منفعل بوده و برنامه‌ی درسی را بی‌کم و کاست اجرا می‌کنند. اما معلمان موفق در آموزش چندفرهنگی، از فرصت‌های یادگیری فرایندمحور استفاده کرده و به همراه دانش‌آموزان فرصت‌های یادگیری را طراحی کرده و گاهاً به نتایج متفاوت دست یافته‌اند:

- فراهم کردن شرایط یکسان در انجام فعالیت‌های دانش‌آموزان.
- حضور همه‌ی گروه‌های دانش‌آموزی در فعالیت‌های درسی و فوق‌برنامه مانند نمایش‌های مدرسه‌ای، سرودها.
- داستان‌نویسی یا نوشته‌ای کوتاه از فرهنگ و هنجارها و آداب و رسوم توسط دانش‌آموزان.
- بازدید از مکان‌ها و موزه‌ها و صحبت درباره‌ی نقش هر یک از گروه‌های قومی و فرهنگی.

۵. سازماندهی فرصت‌های یادگیری:

- سازماندهی فرصت‌های یادگیری بر مبنای فعالیت‌های گوناگون.
- سازماندهی فرصت‌های یادگیری متناسب با هنجارها و ارزش‌های متنوع گروه‌های قومی و فرهنگی گوناگون.
- استفاده از فعالیت‌هایی که امکان تعامل سالم میان دانش‌آموزان را بیشتر می‌کند.
- بحث و گفتگو درباره‌ی زندگی متفاوت گروه‌های فرهنگی و قومی.
- استفاده از اشعار، داستان‌ها، تصاویر و هر چه که نشان‌دهنده‌ی تنوع فرهنگی و قومی است.

۶. روش‌های ارائه و پاسخ:

- استفاده از روش‌های تدریس متنوع به ویژه روش‌های: تدریس مشارکتی، روش حل مسأله و تفکر انتقادی، روش مناظره و بحث و گفتگو، روش‌های اکتشافی، پروژه‌های انفرادی و گروهی، روش تدریس ایفای نقش.
- استفاده و ترکیب اصطلاحات مختلف از زبان‌های اول دانش‌آموزان در ارائه‌ی درس توسط معلم.
- ارجاع دانش‌آموزان به مفاهیم فرهنگی و فعالیت‌های اجتماعی.
- ارائه‌ی بازخوردهای مثبت و اصلاح کننده به همه‌ی دانش‌آموزان دربارهی چگونگی پیشرفت.

- تشویق برای تعیین هدف و تحسین کردن رفتارهای یادگیری مؤثر.
- ادغام کردن اصول و شیوه‌های یادگیری سازنده در کار گروهی.
- درخواست از دانش‌آموزان برای اشتراک‌گذاری تجربه‌های شخصیشان در جامعه.
- ارتقای حل مسائل به روش دانش آموز با دانش آموز، به جای روش‌های اولیه‌ی معلم‌محور.
- آگاهی از مشخصات فرهنگی دانش‌آموزان و استفاده از خود واقعی آن‌ها در فرآیند یادگیری

- پرهیز از رفتارهای تحقیر آمیز قومی و فرهنگی و زبانی به ویژه در فعالیت‌های آموزشی.

۷. ارزشیابی:

- ارزشیابی کمی و کیفی در کنار یکدیگر.
- استفاده از روش‌های متنوع نظیر مشاهده، مصاحبه، پروژه‌های عملی، آزمون‌های کتبی.
- استفاده از تکالیف باز - پاسخ در ارزشیابی.
- ارزشیابی مستمر فعالیت‌ها و تعاملات دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی.
- استفاده از روش شرح حال نویسی.

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه به منظور شناسایی ملاک‌های موفقیت معلمان برجسته‌ی آموزش چندفرهنگی صورت گرفته است و می‌توان ادعا نمود که این تحقیق، اهم ملاک‌های موفقیت معلمان در آموزش چندفرهنگی را نشان داده است. بنابر اظهارات معلمان موفق در آموزش چندفرهنگی آنچه که در یک برنامه‌ی درسی چندفرهنگی کارآمد ملاک تمامی فعالیت‌ها قرار می‌گیرد، این

است که تفاوت‌های میان دانش‌آموزان پذیرفته شود و آموزش دانش‌آموزان در زمینه‌ی عملکرد مؤثر در جامعه‌ی اصلی و فضاهای اجتماعی متفاوت با فضاهای فرهنگی آن‌ها و کمک به آن‌ها در یادگیری شیوه‌های شناختی و الگوهای یادگیری نیز باید جز اهداف بزرگ مدرسه باشد (Nieto, 2009). از مشخصه‌های بارز این معلمان چندفرهنگی کارآمد این است که به دانش‌آموزان کمک می‌کنند نسبت به جایگزین‌های شناختی و فرهنگی مطلع شوند و بتوانند آن‌ها را به دست آورند. در نتیجه آن‌ها را قادر می‌سازد در محیط‌های فرهنگی غیر از محیط فرهنگی خودشان موفق عمل کنند. تا زمانی که دانش‌آموزان درباره‌ی تعلق به گروه‌هایی که در آن عضویت دارند و تأثیر این عضویت بر زندگی خود، اطلاعات کاملی نداشته باشند، نمی‌توانند درباره‌ی چرایی وجود خود و علت وقوع برخی رویدادها در زندگی آتی درک کاملی داشته باشند (Gutierrez & Rogoff, 2003). فعالیت‌های کلاسی معلم چندفرهنگی موفق، دانش‌آموزان را قادر می‌سازد نسبت به روابط فردی و گروهی به طور کلی و تأثیر قومیت و فرهنگ بر زندگی‌شان به طور خاص، شناخت پیدا کنند. همچنین به دانش‌آموزان کمک می‌کنند از مشترکات درون و بین گروه‌های قومی مطلع شوند. در عین حال، با آگاه کردن دانش‌آموزان از تنوع غنی در درون هر گروه قومی، با کلیشه‌ها مقابله کنند. تمامی معلمان برجسته در آموزش چندفرهنگی، دغدغه‌شان این است که به دانش‌آموزان کمک کنند تا نسبت به طیف گسترده‌ی از میراث و تجربیات گروه‌های قومی، درک جامع‌تر و واقع‌بینانه‌تر به دست آورند. مدرسه و معلم باید به تنوع قومی و فرهنگی احترام گذارند و آن را منعکس کنند، اما نباید از رویه‌ها و اعتقادات هر گروه قومی یا فرهنگی، که با ارزش‌های اصلی منافات دارد، حمایت کنند. بلکه باید تفاوت‌های قومی و فرهنگی، که فرصت‌های زندگی دموکراتیک را افزایش می‌دهند، تقویت کنند. کثرت‌گرایی باید در درون بافت وحدت ملی روی دهد (2004, Castles).

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که معلمان موفق در آموزش چندفرهنگی بر این باورند که مطالعه‌ی تجربیات گروه قومی و فرهنگی نباید فرآیند رقابت باشد. نباید مؤید این واقعیت باشد که هر گروه قومی یا فرهنگی در زمینه‌ی استعداد و ثروت یا ناتوانی و ضعف دارای حق انحصاری است، بلکه باید بیانگر این واقعیت باشد که هر فرد و هر گروه قومی دارای ارزش و منزلت است. به دانش‌آموزان باید یاد داده شود که افراد تمام گروه‌های قومی مشخصات و نیازهای مشترکی دارند، هرچند ممکن است از برخی موقعیت‌های اجتماعی به شکل متفاوت تأثیر پذیرفته باشند و از شیوه‌های متفاوتی برای برآوردن نیازها و تحقق اهداف خود استفاده کنند. بررسی‌ها حاکی از آن است که معلمان موفق در آموزش چندفرهنگی از تعصب‌ها و

پیش‌داوری‌های خود مطلع هستند. آن‌ها در سازماندهی فرصت‌های یادگیری کلاس درس، به‌جای استفاده از تحلیل تک-دیدگاهی از دیدگاه چند گروه قومی و فرهنگی استفاده می‌کنند. این روش به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا شباهت‌های ظریف و زندگی وابسته به هم اعضای گروه‌های قومی مختلف را مشاهده کنند، مفهوم جامعیت را در ارتباط با گروه‌های قومی مطالعه کنند و مشاهده کنند که تمام گروه‌های قوم تا چه اندازه در تمام جنبه‌های جامعه مشارکت دارند. آن‌ها تنوع زبانی را به رسمیت می‌شناسند و از این نگرش، که تمام زبان‌ها و لهجه‌ها سیستم‌های ارتباطی معتبری برای برخی گروه‌ها و برای برخی اهداف هستند، حمایت می‌کنند. مفاهیم مربوط به زبان و لهجه، که از رشته‌هایی نظیر جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی گرفته شده‌اند، باعث می‌شوند برداشت دانش‌آموزان از زبان و لهجه به چیزی بیش از دستور زبان صحیح گسترش یابد. به دانش‌آموزان می‌توان مفاهیم جامعه - زبان‌شناختی آموزش داد که چارچوبی برای درک رفتار شفاهی و غیرشفاهی خود و دیگران فراهم می‌کند. عادت‌های صحبت کردن، گوش دادن و خواندن باید با توجه خاص به کاربردهای زبانی تقویت شود (Lee, 2006). فرصت‌های یاددهی یادگیری که این معلمان طراحی می‌کنند به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد که به مطالعه‌ی لهجه‌های خود و دیگران بپردازند. با این کار، نسبت به زبان‌ها و لهجه‌های هم‌سخن‌های خود بیش از پیش پذیرا می‌شوند. این روش به دانش‌آموزان کمک می‌کند هر زمان که لازم است مفاهیم را در زبان محلی خود به وجود آورند و همزمان درک خود از محیط زبان مادر را افزایش دهند. مهم‌تر آن‌که، دانش‌آموزان فرهنگ کسانی را که از زبان دوم استفاده می‌کنند، مطالعه کنند. نهایت آن‌که، ارتباط مؤثر در زبان دوم، نیازمند شناخت مردم آن و فرهنگ آن‌ها است.

نکته‌ی حائز اهمیت‌تری که در میان تمامی گفتگوهای انجام شده مشهود بود این است که معلمان موفق در آموزش چندفرهنگی از یادگیری تجربی، به ویژه منابع اجتماعی محلی حداکثر استفاده را می‌برند. مطالعه‌ی گروه‌های قومی و فرهنگی، نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح محلی نیز، بخشی از فعالیت‌های معلمان موفق در آموزش چندفرهنگی است. آن‌ها فراتر از دیوارهای کلاس درس می‌روند و از اجتماع محلی به‌عنوان "آزمایشگاهی" استفاده می‌کنند که دانش‌آموزان در آن می‌توانند مهارت‌های فکری، اجتماعی و فعالیت سیاسی خود را بهبود ببخشند. از سفرهای علمی برنامه‌ریزی شده و پروژه‌های تحقیقاتی فردی یا گروهی استفاده می‌نمایند. بررسی مداوم اجتماع محلی باعث شناخت از پویایی گروه‌های قومی و فرهنگی می‌شود و احترام نسبت به دستاوردها را افزایش می‌دهد. آگاهی و تعهد نسبت به کارهایی که هنوز لازم است انجام شود، بهبود فرصت‌های زندگی برای تمام ساکنان محلی را، افزایش

می‌دهد (Sletter, 2005). معلمان از ساکنان محلی با سوابق قومی مختلف دعوت می‌کنند به کلاس درس بیایند، تجربیات و دیدگاه‌های خود را با دانش‌آموزان به اشتراک بگذارند، سنت‌های شفاهی خود را شرح دهند، به پرسش‌ها، پاسخ دهند، دیدگاه‌های جدیدی درباره‌ی جامعه و تاریخ ارائه کنند و درهای تحقیق را به روی دانش‌آموزان باز کنند. این مطالعه حاکی از آن است که اگر نوع نگرش و اعتقاد معلمان بر محور تنوع فرهنگی برقرار باشد و اگر دانش و مهارت معلمان از فرهنگ‌های موجود در جامعه مطلوب باشد، برنامه‌های درسی چندفرهنگی نیز می‌توانند مؤثر واقع گردند. معلمان موفق در برنامه‌های درسی چندفرهنگی بر اهمیت نقشی که بر عهده دارند واقفند و می‌دانند که معلم، عامل مهمی در محیط یادگیری رسمی دانش‌آموزان محسوب می‌شود. از بررسی‌های به عمل آمده می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که برای ایجاد محیط آموزشی چندفرهنگی مؤثر، باید به آموزش و بازآموزش معلمان و دیگر کارکنان آموزشی توجه خاصی شود. در دست‌های معلمی که از مهارت‌ها، نگرش‌ها، برداشت‌های مثبت و پیشینه‌ی محتوایی لازم در محیط چندفرهنگی برخوردار نیست، مطالب کامل و دیگر اجزای برنامه آموزشی کارآیی ندارند. به همین دلیل می‌بایست احساسات، نگرش‌ها و برداشت‌های آنان نسبت به گروه‌های قومی، فرهنگی و زبانی روشن و تحلیل گردد (Meyer & Wood, 2004). همچنین معلمان باید نسبت به تجربه‌های تاریخی و مشخصات جامعه‌شناختی گروه‌های قومی و فرهنگی و زبانی در کشور کسب دانش کنند. مهارت‌های لازم را برای ارتباط با گروه‌های قومی و فرهنگی و زبانی متنوع کسب کنند و قادر به انتخاب و بازنگری محتوا و روش‌های تدریس و روش‌های ارزیابی باشند.

منابع

- Banks, J. A. (2008). Diversity, group identity, and citizenship education in a global age. *Educational Researcher*, 37 (3): 129- 139.
- Banks, J.A. (2010). Multicultural Education: Issues and perspectives. (17th Ed.). *University of Washington*.
- Banks, J.A, Geneva Gay., & Grant, G. (2015). Multicultural education a renewed paradigm of transformation and call to action. *New York & London: Roulledge*.
- Bogotch, I. (2010). Conceptualizations of multicultural education among teachers: implications for practice in universities and schools. *Journal of social psychology*, 24(7): 85-110.
- Castles, S. (2004). Migration, citizenship, and education. *Diversity and citizenship education* (pp. 17-48). San Francisco: Jossev-Bass.

- Fernandez, M. (2010). The Responsibility for Multicultural education An Ethics of teaching and learning. Available at: <http://www.Scu.edu/ethics>.
- Grant Carl. A., & Portera, A. (2011). Intercultural and Multicultural Education. Enhancing Global Interconnectedness. *New York & London: Routledge* (Taylor& Francis Group).
- Gutierrez, K., & Rogoff, B. (2003). Cultural ways of learning: Individual traits or repertoires of practice. *Education Researcher*, 32(5): 19-25.
- Gutmann, A. (2004). Unity and diversity in democratic multicultural education: Creative and destructive tensions. *Diversity and citizenship education: Global perspectives* (pp.71-98). San Francisco: Jossey-Bass.
- Johnson, o. (2011). Dose multicultural education improve student racial attitudes. *Journal of studies*, 42(8), 1252-1274.
- Lee, C. D. (2006). Culture, literacy, and learning: Taking bloom in the midst of the whirlwind. *New York: Teachers College Press*.
- Meyer, D., & Wood, G. (2004). Many children left behind: How the No Child Left behind Act is damaging our children and our school. *Boston: Beacon*.
- Nieto, S. (2009). Multicultural education in United States: Historical realities, ongoing challenges, and transformative possibilities. *The Routledge international companion to multicultural education* (pp. 79-95). New York and London: Routledge.
- Oliver, B. (2011a). Assuring graduate capabilities: An approach to determining and evidencing standards Paper presented at the Australian Universities Quality Forum, *Demonstrating quality*, Melbourne, VIC, Australia.
- Sleeter, C. E. (2005). Un-standardizing curriculum: Multicultural teaching in the standards-based classroom. *New York: Teachers Cllege Press*.
- Sleeter, C. E., & Grant, C. A. (2010). Making choices for multicultural education: Five approaches to race, class, and gender (7th Ed.). *New York: Wiley*.